



سیر تحولات داوری بین‌الملل در گذار تاریخ؛ از داوری دولت‌شهرها تا داوری تجاری بین‌الملل

زهرة صفوی همامی^۱
موسی موسوی زنوز^۲
سید باقر میرعباسی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۰۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۵/۲۶

چکیده

سازوکارهای توسل به داوری در مدل سیاسی و دیپلماتیک آن پس از تشکیل دولت‌شهرهای یونان و رم باستان شکل گرفت و از آنجا به حوزه حقوق خصوصی و روابط تجاری و بازرگانی بین‌تجاری پیدا کرد. فرآیند مذکور از قرن پانزدهم میلادی شروع شد و تا اواخر قرن هفدهم و اوایل قرن هجدهم میلادی همچنان ادامه یافت. با تحول در گفتمان جنگ به سوی گفتمان صلح و آشتی فراملی که متأثر از اندیشه صلح پایدار فیلسوف شهیر آلمانی ایمانوئل کانت، بیشتر روسای دولت‌ها و مقامات در عرصه دیپلماسی استفاده از مکانسیم داوری را مرجح دانستند. استفاده از مزایای داوری از جمله سرعت در رسیدگی، محرمانه بودن و عدم وجود تشریفات و هزینه بری نسبت به طرح دعوی استفاده از آن را رواج داده است. با صنعتی شدن جوامع در قرن نوزدهم میلادی، تعامل سیاست و اقتصادی و تجارت و ظهور اختلاف‌های نوین در اثر تعاملات فراملی بازار در عرصه بین‌الملل استفاده از نهاد داوری در حقوق تجارت بین‌الملل بیش از گذشته ارزش و اهمیت خود را باز یافت. با گذشت زمان، شاهد تخصصی شدن و گسترش حیطه‌های داوری در جوامع در حال گذار از کشاورزی به صنعتی و از صنعتی به اطلاعاتی بوده‌ایم. در خصوص مقاله پیش رو و بررسی سیر تحولات داوری تا به حال پژوهش مستقلی انجام نشده است. این مقاله به شیوه توصیفی تحلیلی به تبیین سیر تحولات مرتبط با داوری در حقوق بین‌الملل اشاره داشته است.

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی. Zohre.sfv@gmail.com

^۲ استادیار موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی؛ استاد مدعو گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد امارات متحده عربی. (نویسنده مسئول و استاد راهنما): Mmz1344@yahoo.com

^۳ دانشیار، استاد مدعو گروه حقوق واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، دبی، امارات متحده عربی. (استاد مشاور): mirabbassi@parsilo.com

کلید واژه‌ها

داوری، داوری دولت شهرها، داوری تجاری بین‌الملل، حقوق بین‌الملل، حل اختلاف.

مقدمه

اختلاف و مناقشه در طول تاریخ به یک فرایند اجتماعی تبدیل شده است و در اکثر جوامع وجود دارد. علی‌رغم آنکه صلح‌خواهی و زندگی مسالمت‌آمیز یکی از آرمان‌ها و آرزوهای بشر است، ولی نزاع و مناقشه نیز همواره جزء جدایی‌ناپذیر زندگی بشر به شمار می‌آید و باتوجه‌به فرهنگ‌ها و اینکه دولت‌ها و مردمان در جهان دارای اهداف و منافع مشترکی نیستند و برای همین موضوع و برای رسیدن به اهداف خود با دیگر کشورها درگیر رقابت می‌شوند و در بعضی از مواقع، این رقابت با تنش همراه است و به اختلاف و نزاع تبدیل می‌شود. رسم داوری به سبب حکمت و کارایی‌ای که دارد، نه‌تنها بعد از تأسیس دولت در میان جوامع بشری دوام پیدا کرده، بلکه روزبه‌روز بر اهمیت و رونق آن افزوده شده است؛ زیرا هم‌زمان با سرعت توسعه همه‌جانبه جوامع، روابط اجتماعی هم به‌سرعت گسترش و تنوع می‌یابد و روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌گردد و برای تنظیم این روابط، قوانین متنوع توسط قانونگذاران وضع می‌شود؛ در نتیجه قضاوت دولتی به سبب پیچیدگی و تنوع روابط اجتماعی و تنوع و اختلاف قوانین، روزبه‌روز دشوارتر می‌شود و نمی‌تواند نیاز روزافزون جوامع را که امروزه مرزهای سیاسی را، به‌ویژه در زمینه تجارت نادیده گرفته است، برآورده کند. همین مشکل، قانونگذاران را بر آن داشته که یکی از قدیمی‌ترین و طبیعی‌ترین روش‌ها را به نام «داوری»، رسماً در نظام حقوقی خود، به‌عنوان روشی جایگزین، مورد قبول قرار دهد و اجرای آن را تضمین نماید. در این مقاله، نگارندگان پس از تبیین و بررسی سیر تحولات داوری بین‌الملل در یونان و رم باستان، به تشریح خاستگاه تاریخی داوری در قرون وسطی پرداخته‌اند. سپس سیر تحولات تاریخی داوری در قرون وسطی، نقد و بررسی شده و پس از آن تحولات داوری بین‌الملل در قرن هجدهم میلادی، مورد تأمل قرار گرفته و در آخر داوری بین‌الملل در عصر مدرن، محل بحث و نظر واقع شده است.

۱- داوری در یونان باستان

داوری به یونان باستان باز می‌گردد؛ زیرا حل‌وفصل صلح‌آمیز اختلاف بین مردم و دولت‌ها برای نخستین بار در یونان باستان انجام شده و توسعه یافته است. اولین شاهد استفاده از داوری

بین‌المللی در تاریخ یونان باستان به زمان پوسانیاس^۱ مربوط است. این داستان، شاید به نوعی ساخته‌وپرداختهٔ ذهن نویسندهٔ آن بوده است و نمی‌توان به‌عنوان یکی از رویه‌های عملی و واقعی قرن هشتم قبل از میلاد بدان استناد نمود؛ اما اولین مورد مستدل قابل ذکر دال بر استفاده از رویهٔ داوری در یونان باستان، اختلاف بین آندروس و کالیسیس^۲ در مورد تملک یک شهر^۳ بود که تصمیم‌گیری در این مورد به سه داور^۴ سپرده شد.

به دلیل اینکه ذکر کلیهٔ موارد داوری در یونان باستان از حوصلهٔ این بحث خارج است، به ذکر این نکته اکتفا می‌شود که داوری بین دولت‌شهرهایی که در یونان آن زمان قرار داشتند بعد از نیمهٔ قرن هفتم قبل از میلاد متداول گردید. در آن زمان، مهاجرت‌های گسترده، پایان یافته بودند و دولت‌شهرهای مختلفی تشکیل شده بود. در این دوره، توازن و هماهنگی خاصی بین دولت‌شهرهای یونان شکل گرفته بود و شاید به دلیل همین موازنهٔ قدرت، فرایند رشد داوری تسریع شده بود. دولت‌ها از انزوا خارج شده و وارد روابط اقتصادی شده بودند و این مسئله باعث می‌شد که بروز اختلاف‌ها امری غیرقابل اجتناب باشد. از سوی دیگر، هیچ دولت‌شهری آنقدر قدرتمند نبود که بتواند همسایگان خود را با نیروی نظامی تهدید نماید و در نتیجه، استفاده از داوری، امری معمول و منطقی به نظر می‌رسید. (دادور، ۱۳۹۹: ۹۳)

قرن پنجم قبل از میلاد دورهٔ جدیدی بود که در آن دولت‌شهرهای کوچک، تحت حمایت قدرت‌های بزرگی چون آتن و اسپارت درآمدند. اگرچه نتایج عملی مرتبط با فرایند داوری در این دوره بسیار ناامیدکننده بودند، اما شاهد ابداع روش‌هایی برای حل‌وفصل صلح‌آمیز اختلافات محتمل در آینده بودیم. چنین روش‌هایی در زمان آتش‌بس سی‌سالهٔ آتن و اسپارت (سال ۴۵۵) و همچنین صلح نیکياس^۵ در سال ۴۲۱ ابداع شده و مورد استفاده قرار گرفتند. اگرچه معاهدات منعقدشده نقض شدند و جنگ پلوپونز^۶ با سرانجامی تلخ به پایان رسید، ایدهٔ داوری که به‌موجب معاهدات گوناگون عملی و غیرقابل انکار می‌نمود، به جهان معرفی شد.

^۱. پوسانیاس، نویسنده و جغرافی‌دان یونانی و اهل لیدییه است که در سدهٔ دوم میلادی زندگی می‌کرد. کتاب معروف او به نام «وصف یونان» در ده جلد که جغرافیای تاریخی نواحی مختلف یونان را در بر دارد، مشهور است. گواهی پوسانیاس مبنی بر اینکه مغان ایرانی دارای کتاب بودند و به گاه دعا از روی آن‌ها سرودهای نیایشی را می‌خواندند، پندار پژوهندگانی را که با اتکاء به اقوال نویسندگان مؤخرتری چون ازنیک و باسیل قدیسی دربارهٔ قدمت اوستا گمان برده‌اند، می‌شکند.

^۲. از شهرستان‌های باستانی یونان

^۳. Acanthus

^۴. Parians, the Samians, Erythraeans

^۵. Nicias

^۶. Peloponnesian war

در طول دهه‌های بعد از جنگ پلوپونز و قبل از نبرد چارونیا^۱ (۳۳۸ قبل از میلاد مسیح) شرایط مجدداً برای اعمال رویه‌های مرتبط با داوری، هموار و مساعد شد. در این زمان، آتن و اسپارت به دنبال نبردهای طولانی‌مدت، منابع و توان خود را از دست داده بودند و موقعیتی مشابه دیگر ایالت‌ها داشتند. در این زمان، نمونه‌های موفقی از داوری قابل ذکر هستند که از جمله می‌توان به توافق بین آتن و دلوس^۲ در مورد تولید مقبره آپولو در شهر دلوس اشاره نمود. از سوی دیگر، نمونه‌هایی هم از رد داوری وجود دارد؛ به‌عنوان مثال، اسپارت پیشنهاد داوری طیس^۳ را رد نمود و جنگ لوکتر^۴ (۳۷۱ قبل از میلاد) در گرفت؛ ضمن اینکه رد پیشنهاد داوری فیلیپ مقدونی توسط آتن در سال ۳۴۰ قبل از میلاد هم قابل ذکر است. در فاصله سال‌های بین ۳۰۰ قبل از میلاد تا ۱۰۰ قبل از میلاد در حدود ۴۶ مورد داوری به ثبت رسیده است که اغلب در مورد حل و فصل اختلاف‌های مرتبط با مرزها بوده‌اند. آنچه مسلم است این است که داوری در یونان و در قرن سوم قبل از میلاد، امری بسیار مهم و برجسته به شمار می‌رفته است. در زمان اسکندر و جانشینان وی جوامع مدیترانه‌ای شرقی برای حل اختلاف‌های خود استفاده زیادی از این روش نموده‌اند. (دلز، ۱۳۸۳: ۳۳)

۲- داوری بین‌الملل در رم باستان

با ورود رم به تاریخ یونان، اهمیت داوری بیشتر شد. نمی‌توان ماهیت آزادانه و یا اختیاری بودن داوری‌های انجام‌شده رم را در اینجا مورد بحث و بررسی قرار داد. آنچه به دست رسیده حکایت از آن دارد که داوری به لحاظ شکلی رعایت می‌شده؛ اما نفس داوری، امری بوده که مورد توجه قرار نمی‌گرفت؛ با این وجود نمی‌توان منکر ماهیت وجود داوری شد. باتوجه به اینکه طرح کلیه موارد مرتبط با محکمه‌های داوری در یونان باستان ممکن نیست، به موارد موفق آن اشاره خواهیم داشت. براساس گزارش‌ها، اسناد مرتبط با هشتاد مورد داوری در دست هستند که از این تعداد، بیشتر موارد رویه‌ای شبیه به داوری دارند و در این میان هم مواردی به چشم می‌خورند که تصمیم‌های متفاوتی در مورد اختلافی واحد اتخاذ شده است. براساس مستندات موجود، تعیین میزان استفاده از داوری در رم باستان، امری بسیار مشکل است. آمارهای ارائه‌شده اصولاً براساس نوشته‌های برخی نویسندگان کلاسیک و کتیبه‌هایی که

1. Battle of Chaeronea

2. Delos

3. Thebes

4. Leuctra

به صورت تصادفی کشف شده، قابلیت استناد دارند؛ از این رو دانسته‌های ما در مورد داوری اندک است. امر مسلم و قطعی، این است که داوری در حدود ۵۰۰ سال در یونان مورد استفاده بوده است. سازوکار مذکور در یونان، بسیار موفق بوده و از بین موارد موجود، تنها دو مورد وجود دارند که احکام داوری مورد پذیرش قرار نگرفته و اجرایی نشدند. در حقیقت، شرایط جامعه یونان در آن زمان به گونه‌ای بود که عدم پذیرش احکام داوری با جریمه مواجه می‌گردید و تقبیح عمومی یکی از مواردی بود که به عنوان تضمین قدرتمندی در اجرایی نمودن احکام داوری عمل می‌کرد. (فلسفی، ۱۳۸۳: ۹۲)

برخلاف تجربه یونان، داوری بین دولت‌ها در تاریخ رم دارای سابقه طولانی نمی‌باشد. داوری در رم تا زمانی که این کشور با یونان و شرق مرتبط گردید، مورد استفاده قرار نمی‌گرفت. این مسئله دلایل متعددی داشت که از جمله می‌توان به تفاوت‌های زیاد مردم شبه‌جزیره ایتالیا با قومیت‌های دیگر در جهان اشاره نمود. به علاوه، موقعیت جغرافیایی ایتالیا به گونه‌ای نبود که امکان تجارت با نقاط دیگر جهان از راه دریا و یا زمین به آسانی میسر باشد. سوم آنکه نیروهای پیونددهنده اجتماعی در جامعه رم به اندازه جامعه یونان قوی نبودند که از جمله می‌توان به ضعیف‌تر بودن همایش‌های ملی، نبود معاهدات تجاری و کلاً عناصر متحدکننده اجتماعی اشاره نمود. (مازو، ۱۹۹۹: ۴۹)

حتی اگر محیط ایتالیا نسبت به رویه داوری بین‌المللی پذیرا تر بود، نمی‌توان از امپراتوری رم انتظار داشت که با وجود قدرت و زیرساخت‌های نظامی نسبت به رویه داوری پذیرا باشد. رم هیچ‌گاه به عنوان یکی از طرفین داوری در تاریخ مطرح نبوده است؛ هرچند که مجلس سنای این کشور در برخی موارد خاص با موضوع داوری مرتبط بوده است. دولت‌شهرهای مختلف رم که همگی تحت پوشش قدرت مرکزی و نیرومند این کشور بودند، هیچ‌گاه خود را در موقعیتی برابر با دولت مرکزی این کشور نمی‌دیدند. وجود موقعیت برابر، یکی از مؤلفه‌های اصلی داوری است که در این مورد برآورده نمی‌شد. در ضمن در صورت بروز اختلاف با کشورهای هم‌مرز خارجی هم این امپراتوری آنقدر قدرتمند بود که از دولت‌شهرهایش دفاع کند. رم در پی تحقق صلح بود؛ اما این صلح به موجب موقعیت برتر این امپراتوری حاصل می‌شد و نه به عنوان پیامد داوری‌های احتمالی. (پانزی، ۲۰۰۷: ۲۳)

سنای رم در برخورد با شرق، سیاست‌های خاصی داشت. در دوران گذشته، در برخی موارد، سنای رم خاص به عنوان داور بین کشورهای مستقلی حکم می‌نمود که تحت تأثیر شکوه و عظمت رم، تقاضای داوری در مورد اختلافات خود را داشتند. این مسئله، روندی ثابت و تدریجی

را طی نمود؛ تا آنکه در قرن دوم پیش از میلاد در بین کشورهای شرق مدیترانه بسیار از این شیوه استفاده شد. سنای رم با شأن و منزلت خاصی که داشت بیش‌ازپیش به‌عنوان داور توسط کشورهای شرق به حل‌وفصل اختلافات دعوت می‌شد. در این راستا، سنای رم، یا حل اختلاف را به کمیسیون خاصی می‌سپرد و یا اینکه حل‌وفصل آن را به طرف سوم می‌سپرد که معمولاً همسایه طرف‌های دعوی بود.

در مجموع نقش رم در داوری بین‌المللی بی‌تردید ارزشمند است؛ اما نمی‌توان این کشور را به‌عنوان تدوین‌کننده اصول داوری بین‌المللی به شمار آورد. ضمن اینکه این کشور در نهضت حل‌وفصل صلح‌آمیز اختلاف‌های بین‌المللی و گسترش صلح جهانی نیز جایگاه ویژه‌ای نداشت. این کشور به‌عنوان یک قدرت نظامی و امپراتوری بزرگ، مانع از ایجاد دادگاه‌های داوری شد. این امپراتوری آنچه را که یونان به دست آورده بود از دست داد و درنهایت شکست خورد و جمهوری جایگزین آن گردید.

در رم باستان پس اجماع طرفین بر استفاده از سازوکار داوری، این فرایند آغاز می‌شد. (ربوک، ۲۰۰۴: ۱۵۷) توافق‌نامه داوری می‌توانست مکان دقیق داوری را مشخص کند. اگر طرفین اختلاف، به‌صراحت محل داوری را تعیین نکرده بودند، محلی مورد نظر طرفین به‌عنوان محل داوری در نظر گرفته می‌شد. طبق قوانین موجود رم باستان، اگر طرفین دعوا محدودیت‌های زمانی را تعیین نمی‌کردند (چه زمانی داوری باید پایان یابد)، یک داور اختیار داشت که باتوجه‌به همه شرایط تصمیم‌گیری کند. داور دوره زمانی مناسب را تعیین می‌کند (modicum)؛ یعنی زمانی معقول برای رسیدگی به پرونده و ارائه رأی داوری. مدت‌زمان لازم به‌موجب قوانین موضوعه تعیین نشده بود؛ از این‌رو داور مدت‌زمانی را تعیین می‌کرد که برای اجرا و ارائه حکم به اندازه کافی مناسب باشد. این شکل از تعیین داور باید باتوجه‌به پیچیدگی‌های حقوقی مطابق با برداشت‌های کلی از آنچه بر موضوع، شرایط، موقعیت و منافع هر دو طرف دعوا مصلحت‌آمیز انجام می‌شد هنگامی که شخصی موقعیت داوری خود را پذیرفت (receptum arbitri) و مدت‌زمان لازم را تعیین کرد، وی به آنچه توسط مقامات دولتی، به‌عنوان مثال توسط پرتور قابل اجرا بود، متعهد می‌شود. (زیگلر، بی‌تا: ۱۴۵)

داوری در قوانین رم به طرفین، این فرصت را می‌داد تا اختلافات خود را به زبانی که می‌فهمند حل‌وفصل کنند. زبان داوری کاملاً سازگار و متناسب با نیازها و خواسته‌های واقعی

طرفین دعوا بود.^۱ طرفین می‌توانستند زبانی را که برای ارتباط با طرف مقابلشان قابل فهم و متناسب باشد، انتخاب کنند. برای طرفین دعوا در استان‌ها یا مناطقی که دولت رم به طور کامل برای انتخاب زبان لاتین و حل‌وفصل اختلافات آن‌ها مطابق با استانداردهای قانونی و اصطلاحات رمی بود هیچ گونه محدودیتی وجود نداشت. (ربوک، ۱۹۷۶: ۲۵۶) شواهد قابل توجهی در مورد داوری‌های انجام‌شده در یونان در طول قاعده رمی که منحصراً به زبان یونانی ثبت شده است وجود دارد. همچنین برخی از پاپیروس‌ها نشان می‌دهند که تمام مراحل دادرسی به یونانی و برخی دیگر به زبان قبطی و سایر زبان‌های دولت‌شهرها ثبت شده است. در مورد اختلافات مرزی در استان رم دالمتیا بین جوامع مختلف که در نیمه اول قرن اول اتفاق افتاد، حداقل تا حدودی به زبان‌های استانی جوامع قبیله‌ای محلی انجام شد؛ اگرچه کتیبه‌های محل سکونت نهایی، منحصراً به زبان لاتین نوشته شده است. (ربوک، ۲۰۰۴: ۱۵۷۹)

حذف تبلیغات از جذابیت‌های متمایز داوری رم بود که حفظ محرمانگی، رازداری و قصد حل‌وفصل اختلافات را تسهیل می‌کرد. این ارزش رویه‌ای توسط پلینی جوان در نمونه اختلافات ارثی اسدیوس کوریانوس که توسط سه داوری که به‌عنوان بونی ویری^۲ عمل می‌کردند، ثبت شده است. دادرسی و پرسش از طرفین دعوی و کل فرایند دادرسی در محوطه‌های خصوصی انجام می‌شد و در نهایت رأی داوری صادر و اعلام می‌شد. (دارک، ۱۳۷۹: ۱۸۴) همین نسبت داوری در دادرسی‌های مبتنی بر صلح بیان شده است. داوری تحت عنوان مصالحه که به طور منظم در جلسات عمومی در روند دادرسی عادی شرکت می‌کرد، از ایجاد تنش و اختلاف بیشتر بین طرف‌های دعوی جلوگیری می‌کرد. هدف این شیوه، حمایت از دو موضوع مهم بود: (۱) قصد طرفین برای حل نهایی اختلافات؛ (۲) محرمانگی. (هاشمی، ۱۳۹۶: ۱۵۹)

رویه داوری به‌صورت شفاهی انجام می‌شد. شفاهی‌بودن به‌طور کلی «از پیچیدگی و پنهان‌کاری رویه‌ای که تحت تأثیر نوشتن است می‌کاست». (مترز، ۲۰۰۴: ۲۲) شفاهی‌بودن، این روش را دسترس‌پذیر، قابل فهم و سازگار با نیازها و خواسته‌های طرفین اختلاف و شرایطی که در نهایت می‌توانند تغییر کنند، می‌کرد. توسل به استفاده از زبان مادری، به‌عنوان مثال زبان گفتاری را ترویج می‌کرد و همین موضوع نقش فعال طرفین اختلاف و داور در دادرسی را تأیید

^۱. اگرچه زبان لاتین زبان رسمی دولت رم بود، اما نمی‌توان انکار کرد که جامعه رم عملاً چندزبانه بود. لاتین، زبان رم و قسمت غربی امپراتوری بود؛ درحالی‌که شهرها و استان‌های شرقی، بیشتر در فعالیت‌های حقوقی خود از یونانی یا زبان‌های مادری دیگر استفاده می‌کردند یا حتی وقتی رسماً به مقامات اداری استانی رم مراجعه می‌کردند، دادرسی به طور منظم به زبان‌های لاتین یا یونانی انجام می‌شد.

^۲ *boni viri*

می‌کرد. شفاهی بودن رویه داوری شنیدن تمام ادله و ادعاها و مباحث جامع درمورد موضوعات حقوقی را ارتقاء می‌بخشید. این شیوه این اجازه را به طرفین دعوا می‌داد که سؤالات خود را مطرح کرده، اظهارات و اظهارنظرهایی را درباره آنچه داور یا طرف مقابل قبلاً گفته بود، طرح دعوی متقابل، تقاضای توضیح، پرسشگری متقابل طرفین اختلاف را ممکن سازد. (دارک، ۱۳۷۹: ۲۵۵)

رسیدگی متمرکز و مبتنی بر بوروکراسی از ویژگی‌های متمایز داوری رم بود که اثربخشی، کارایی و سرعت کم آن را تأیید می‌کند. پرونده‌های داوری که عملکرد آن را در عمل مستند می‌کردند، نشانگر وظیفه داور برای تعیین جلسات مکرر و مستمر است. چنین رویه‌ای منجر به یکپارچگی و تمرکز، آگاهی دائمی از حقایق تعیین‌کننده مورد اختلاف و شواهد ارائه‌شده توسط طرفین دعوی پشتیبانی می‌کرد. سازوکارهای مختلفی که برای دستیابی به روند داوری متمرکز مورد استفاده قرار گرفت، نشان می‌دهد که تعیین وقت دادرسی^۱ مهم‌ترین چالش داوری در آن زمان بود. جلسات دادرسی با احتیاط و با تمام اطلاعات لازم که در حضور آن‌ها به طرفین دعوا اعلان شده بود، برنامه‌ریزی می‌شد. (مالوری، ۱۳۸۳: ۲۵۵)

هیچ جلسه دادرسی پایدار نبود؛ مگر اینکه همه موضوعات رویه‌ای حضور داشته باشند، که این امر نیاز به صحت برنامه را توضیح می‌دهد. رأی نهایی همیشه پس از اتمام آخرین جلسه دادرسی قرائت می‌شد. حقوق دانان کلاسیک توجه زیادی به تعریف محدودیت‌های زمانی صلاحیت‌های داور و به‌طور کلی داوری داشتند. بندهای موجود در قرارداد مصالحه می‌تواند به داور اجازه دهد مدت را تمدید کند یا تأخیرهای مناسب را اعمال نماید. اگرچه، این موارد استثنا بودند، به این معنی که رأی که از زمان مقرر صادر شده فاقد اعتبار بوده و با تعویق غیرمجاز نمی‌توان از بی‌اعتبار بودن آن جلوگیری کرد، اما داور نمی‌تواند کاری خارج از اختیاراتی که به‌واسطه مصالحه به او داده شده، یعنی خارج از محدودیت‌های زمانی تعیین‌شده توسط آن، انجام دهد.

در آن زمان کارایی، اثربخشی کم‌هزینه و سرعت رویه‌ای بدون درنگ افزایش یافت. میانجی‌گری یکی از اصلی‌ترین رهنمودها و اصول مربوط به انواع داوری رمی بود. در این زمان چندین قانون که عوامل تعیین‌کننده و ضروری رویه داوری بودند، تصویب شدند. اشخاصی که در روند رسیدگی حضور داشتند، ملزم به حضور در هر عمل رویه‌ای و دادرسی بودند. عدم

^۱. dies ad audiendum datio

حضور (۱) داور، (۲) داوران منفرد یا بیشتر کمیسیون داوری (۳) هریک از طرفین یا هر دو طرف دعوا بدون قید و شرط مراحل و ترتیب دادرسی را متوقف می‌کردند. این قانون با این شرط که طرفین دعوا به طور قانونی در فرایند داوری حق اظهارنظر دارند، یا به استثناء، مجاز به نوشتن مشاهدات یا ادعاهای خود به صورت کتبی هستند، تعدیل شد. اشخاصی که در دادرسی حضور داشتند، ملزم به شرکت در بازرسی که در محل مورد مناقشه انجام می‌شد، بودند. جایگاه داور کاملاً شخصی بود و وی نمی‌توانست جایگزین شخص دیگری شود. (مارتینو، ۱۹۸۶: ۱۴) اگر چند داور وجود داشت، هیچ‌یک از آن‌ها اجازه حذف یا جایگزین شدن نداشت. طرفین نمی‌توانستند داوران دیگری اضافه یا اصلاحات دیگری انجام دهند. فقط داورانی که در جلسه دادرسی شرکت کرده بودند حق صدور رأی داشتند. براساس این قانون، تصمیم‌گیری توسط شخصی که دلایل را در نظر می‌گیرد و طرفین را می‌شنود یک حُسن است. این رأی می‌بایست توسط خود داور یا شخصی که قبلاً به او تفویض کرده بود، صادر شود.

۳- داوری بین‌الملل در قرون وسطی

مطالعه داوری در قرون وسطی امری بسیار مشکل است. در درجه اول، هیچ گونه نوشته مستدلی در این زمینه به هیچ زبانی وجود ندارد. در درجه دوم، منابع چنین مطالعه‌ای در سراسر اروپا پراکنده‌اند. در این میان، دو نویسنده در قیاس با دیگران آثار بیشتری را در این زمینه به نگارش درآورده‌اند. بارون ام دی تائوب^۱ از فرانسه و ام نواکوویچ^۲ از روسیه کتبی درمورد داوری به رشته تحریر درآورده‌اند که می‌توان به آن‌ها به‌عنوان مرجع معتبر علمی استناد نمود. نوشته‌های تائوب به‌صورت کامل به داوری اختصاص داده نشده و بیشتر مطالعه‌ای است درمورد خاستگاه‌های حقوق بین‌الملل؛ درحالی‌که آثار علمی نواکوویچ سهم بیشتری در بررسی داوری بر عهده دارد. ارائه بررسی جامع درمورد وضعیت داوری در قرون وسطی خارج از حوصله این بحث است؛ اما باید دانست که در قرون وسطی داوری بین‌المللی وجود نداشته؛ زیرا کشورهای مستقل هنوز به وجود نیامده بودند. اما بیان این ادعا صحیح به نظر نمی‌رسد؛ چراکه تمام اهداف و رویه‌های منتهی به داوری بین‌المللی در این زمان موجود بوده‌اند. بسیاری از حکمرانان و اشراف محلی در این زمان بر نواحی مختلف حکومت می‌کردند که شاید بتوان قلمرو آنان را با برخی کشورهای امروزی در دنیای مدرن برابر دانست. بروز اختلاف بین کشورهای کوچک در

^۱ Baron M.de Taube

^۲ M.Novacovitch

آن زمان، بدیهی بود و بیشتر این اختلاف‌ها به‌موجب داوری حل‌وفصل می‌شدند. در مجموع در طول قرن سیزدهم تا آغاز قرن شانزدهم، ایده جنگ، بسیار قابل قبول‌تر از ایده داوری بوده است. (تانگوچی، ۱۹۹۸: ۳۵)

در بررسی وضعیت داوری در قرون وسطی، نقش برجسته و نفوذ قابل توجه کلیسا را باید همواره مدنظر داشت. در این برهه، کلیسا به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم نقشی حیاتی در توسعه مفهوم داوری بر عهده داشته است. دین مسیحیت به جهت وجود برخی تعالیم و عقاید خود به‌عنوان عاملی در جهت برقراری صلح عمل می‌نمود. در سراسر اروپای غربی پاپ به‌عنوان بالاترین مقام مسیحی مورد احترام بود و اعمال و قضاوت‌های وی مورد تکریم و تقدیس قرار می‌گرفت. کلیسا جنگ در برخی روزها و فصول را ممنوع نموده بود و آیین‌های مذهبی (مانند غسل تعمید) را برای کسانی که قوانین کلیسا را نقض نموده بودند، اجرایی نمی‌نمود. (ربوک، ۲۰۰۴: ۴۹)

اگرچه داوری در بیشتر نقاط اروپا مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ اما در تمام نقاط به یک صورت واحد وجود نداشت؛ به‌عنوان مثال در میان قلمرو شاهزادگان آلمانی ایالت‌های کوچک و متعدد با یکدیگر متحد شده بودند و این مسئله، راه را برای استفاده از داوری برای حل‌وفصل اختلاف‌های محتمل بین آن‌ها هموار نموده بود. کشورهای شبه‌جزیره بالتیک هم در قرون وسطی همواره با یکدیگر اختلاف داشتند. در این زمان، کشورهای کوچک مستقل این ناحیه حل‌وفصل اختلاف‌های خود را به داوران می‌سپردند. ذکر این نکته ضروری است که در این زمان و به‌صورت کلی داوری از شکل کنونی خود فاصله زیادی داشت و شاید بتوان گفت آنچه اعمال می‌گردید، امری بین داوری و میانجی‌گری بود. (گرشاسپی، ۱۳۸۸: ۴۰) داوری در این برهه تاریخی در بین ایالت‌های کشور ایتالیا رشد و توسعه قابل قبولی داشته است. در این ناحیه از جهان، داوری به مدد محاکم خاصی انجام می‌شد و رویه‌های مورد استفاده، بسیار سخت و غیرمنعطف بود و استفاده از اسناد رسمی در طول دادرسی مرسوم بود. موارد متعدد اعمال داوری در ایتالیا بیشتر به دلیل پایان دادن به اختلافات طولانی مدت شهرها و دولت‌شهرها بود؛ چراکه زمانی طرفین برای داوری رجوع می‌نمودند که جنگ‌های طولانی آن‌ها را بسیار خسته کرده بود و دیگر توانی برای ادامه جنگ نداشتند.

همان‌گونه که در مبحث مرتبط با داوری بین ایالتی در یونان ذکر گردید، معاهداتی برای حل‌وفصل اختلاف‌های محتمل در آینده منعقد می‌گردید و این مسئله، امری نیست که در داوری بین‌المللی به‌عنوان موردی جدید و بدون سابقه مطرح باشد. در اروپای قرون وسطی،

به کرات در قراردادهایی با موضوعات صلح و دوستی شاهد استفاده از بندهایی با چنین مفادی هستیم. (کوهن، ۱۹۵: ۴۶)

معاهداتی که در آلمان منعقد شده‌اند، دارای بیشترین میزان استفاده از بندهایی با مفاد فوق‌الذکر هستند. زمانی که گروهی از حکمرانان یا دولت‌شهرها با یکدیگر متحد می‌شدند، توافق می‌نمودند که هر گونه اختلاف احتمالی که بین آن‌ها در آینده به وجود بیاید را با داوری حل‌وفصل نمایند. از آنجا که چنین اتحادیهایی بسیار رایج بودند، چنین بندهایی هم به‌وفور در فرایند داوری آن زمان قابل مشاهده‌اند. در بروز اختلاف، هیئت داوری ابتدا سعی می‌نمود تا اختلاف را به‌صورت غیررسمی حل‌وفصل نماید و این مورد امری شبیه عوامل دیپلماتیک در دنیای امروزی است. اگر این تعاملات به جایی نمی‌رسیدند، از روش‌های داوری استفاده می‌شد. معمولاً استفاده از رویه‌های داوری بین متحدین و برای حل‌وفصل اختلاف‌هایشان مرسوم بود؛ اما پرسش آن است که گستردگی و اهمیت تلاش‌های انجام‌گرفته در قرون وسطی در راستای داوری در قرون وسطی به چه اندازه بوده است؟ در پاسخ به این سؤال باید به این نکته اشاره کنیم که جنگ‌های صورت‌گرفته در قرون وسطی به اندازه جنگ‌های کنونی فراگیر نبودند؛ ضمن اینکه تلفات و ویرانگری آن‌ها هم با جنگ‌های مدرن برابری نمی‌کند. جنگ‌های قرون وسطی اگرچه در سطح وسیع اتفاق می‌افتاد، اما باتوجه‌به موقعیت و فاصله بین کشورها آثار بسیار مخربی برای کل جهان یا حداقل منطقه خود نداشت؛ ضمن اینکه روابط تجاری و اقتصادی هم در آن روزگار به اندازه عصر کنونی حساس و فراگیر نبود. زمانی که دو طرف نسبت به انعقاد معاهده صلح اقدام می‌نمودند و ماده یا بندی دال بر انجام داوری برای موارد محتمل اختلاف در آینده در آن لحاظ می‌نمودند، بیش از همه عوامل بر منافع آنی و نزدیک خود نظر داشتند. (اریک، بی تا: ۱۴۴) همان گونه که برخی محققان اذعان نموده‌اند، هیچ محکمه داوری‌ای به‌موجب چنین قوانینی تشکیل نشد و این مسئله بدان معناست که این قوانین و مفاد آن کاربرد نسبتاً کمی داشته‌اند. باتوجه‌به موارد گفته‌شده شاید عادلانه نباشد که نقش قرون وسطی در تدوام حیات حقوقی داوری را نادیده بگیریم. در سال ۱۳۴۳، مگنوس^۱ پادشاه سوئد و ولدمورس^۲ پادشاه دانمارک در مورد معاهده‌ای توافق نمودند که به‌موجب آن در صورت بروز اختلاف مهمی بین آن‌ها موارد را با استفاده از داوری حل‌وفصل نمایند. ایالت‌های

^۱ Magnus

^۲ Woldemarus

کشور سوئیس همانند ایالت‌های آلمان در معاهده‌های اتحاد خود با یکدیگر و همچنین همسایگان قدرتمندشان بند توافق درمورد داوری در صورت بروز اختلاف را لحاظ نمودند. به همین شیوه، بند مرتبط با داوری در برخی معاهدات صلحی که در ایتالیا منعقد می‌گردید، مشاهده می‌شود.

در ادامه به چگونگی انتخاب داوران و رویه‌های مورد استفاده در داوری خواهیم پرداخت. پاپ در برخی موارد به‌عنوان داور عمل می‌نمود؛ اما فعالیت‌های این مقام مذهبی درباره داوری تا حدی قابل مبالغه به نظر می‌رسد. درست است که مواردی وجود دارند که به‌موجب آن‌ها برخی موارد برای داوری به پاپ ارجاع شده و اسناد مرتبط با آن‌ها موجود می‌باشد، اما مورد قابل توجه است این است که اعتراض به حکم پاپ ابداً مرسوم نبوده است. مشهورترین موردی که به غلط درمورد داوری پاپ بدان استناد می‌شود، پرونده‌ای است که به‌موجب آن، اسکندر ششم به تقسیم اکتشافات خود در دنیای جدید پرداخت؛ اما باید گفت که این مورد به‌هیچ‌روی یک مورد داوری قلمداد نمی‌شود. (اریک، ۲۰۰۴: ۷۸)

مورد دیگری که به اندازه انتخاب پاپ‌ها به‌عنوان داور قابل توجه است، انتخاب برخی از اساتید برجسته دانشگاه‌های حقوق به‌عنوان داور می‌باشد. دیپارتمان حقوق دانشگاه بولونیا^۱ یکی از مراجعی بود که به‌کرات نسبت به اعزام داور برای حل و فصل اختلاف‌های جمهوری‌های مختلف در ایتالیا اقدام می‌نمود. البته داوران از دانشگاه‌های ایتالیایی دیگری هم به داوری دعوت می‌شدند.

به همین شیوه، پارلمان پاریس هم به‌کرات توسط حکام و دولت‌های خارجی برای حل و فصل اختلافات انتخاب می‌گردید؛ به‌عنوان مثال، در سال ۱۲۴۴، پارلمان پاریس توسط فردریک دوم^۲ (امپراتور رم) برای حل اختلاف وی و سنیبالدو فیسکی^۳ (یکی از پاپ‌های قدرتمند قرون وسطی) انتخاب شد. اسقف‌ها، اسقف‌های اعظم و کاردینال‌ها اغلب معمولاً در دعوی‌های بین‌المللی به داوری می‌پرداختند. شهرهای بی‌طرف و یا بدون منافع هم در برخی مواقع به‌عنوان داور انتخاب می‌شدند.

یکی از انواع معمول و جالب توجه داوری در قرون وسطی انجام داوری توسط برخی پادشاهان است. نمی‌توان به‌راحتی تشخیص داد که ضابطه انتخاب پادشاهان به‌عنوان داور چه بوده است.

¹. Bologna

². Frederick II

³. Sinibaldo Fieschi

این تردید همواره وجود دارد که آیا یک پادشاه خود به صورت داوطلبانه به عنوان داور عمل می کرده است، توسط طرفین انتخاب می شده و یا اینکه به واسطه قدرت و یا جایگاهی که داشته است اراده خود را بر آنها تحمیل می نموده است. از سوی دیگر، موارد بی شماری وجود دارد که در آنها پادشاهان به عنوان داور و با رعایت کلیه ضوابط داوری برای حل و فصل اختلافات اقدام نمودند. برجسته ترین مثالی که در این باره قابل ذکر است، سنت لوئیس^۱ پادشاه فرانسه است. در نوشته ها و اسناد تاریخی موجود موارد متعددی از اجرای عدالت و داوری توسط وی وجود دارد. وی در برخی موارد با فرستادن نمایندگان از سوی خودش در جنگ ها میانجی گری نمود و صلح را برقرار ساخت. از دیگر کارهای وی انجام داوری بین هنری سوم^۲ پادشاه انگلستان و بارون های این کشور بود و اگرچه وی به نفع هنری سوم رأی داد، اعتبار و مشروعیت این داوری از سوی بارون ها به رسمیت شناخته نشد. تعداد بسیار زیادی از پادشاهان انگلستان و فرانسه به عنوان داور انتخاب شده و از آنها دعوت به عمل آمده است. (گرشاسپی، ۱۳۸۸: ۲۹۹)

در ادامه به بررسی رویه های مورد استفاده توسط این داوران خواهیم پرداخت. نواکوپیچ در نوشته های خود مدعی شده که رویه های مورد استناد در امر داوری در شمال اروپا در مقایسه با رویه های مورد استفاده در ایتالیا موجزتر و غیررسمی تر بوده است. به گفته وی داورها با شنیدن مباحث مطرح شده توسط طرفین دعوی فرایند کار را شروع می کردند و در صورت لزوم نسبت به اخذ شهادت اقدام می نمودند. در ادامه، پروسه دادرسی آغاز می شد و سؤالات مطرح شده و پاسخ های داده شده توسط طرفین توسط داور یا هیئت داوران مورد بررسی قرار می گرفت و در نهایت داورها نسبت به صدور رأی اقدام می نمودند. نمی توان مدعی شد که رویه مذکور موجز و ابتدایی بوده؛ زیرا شامل تمام مراحل است که در محاکم داوری مدرن کنونی وجود دارند. (ربوک، ۲۰۰۴: ۱۵۶۳)

تنها مورد داوری مرتبط با قرون وسطی که در ضمن آن رویه داوری با جزئیات و مراحل کامل انجام شده، در سال ۱۳۹۲ بین شخصی به نام ویسکونت گلانزو^۳ از شهر میلان و شرکایش از یک سو و اتحاد فلورانس و چند شهر دیگر^۴ از سوی دیگر بوده است. بر این اساس، رویه های داوری در ایتالیا نسبت به رویه های مورد استفاده در شمال اروپا توفیق داشته اند. در همین رابطه باید این موضوع را مورد توجه قرار داد که نواکوپیچ در نتیجه گیری خود عجولانه

^۱. Saint Louis

^۲. Henry III

^۳. Viscount Galeazzo of Milan

^۴. League of Florence

عمل نموده و از در نظر گرفتن پرونده مهمی که در سال ۱۱۷۷ بین پادشاهان کاستیا و ناوارا^۱ و توسط هنری دوم ملکه انگلستان مورد داوری قرار گرفته، غفلت نموده است. رویه‌های مورد استفاده در این داوری که با جزئیات بسیار دقیق موجودند و در لندن انجام شد، اثبات می‌کنند که فرایند مذکور به هیچ وجه ابتدایی و ساده نبود.

هنری دوم با فراخواندن منتخبی از اسقف‌های اعظم، اسقف‌ها، کنت‌ها و بارون‌های انگلستان، از آن‌ها خواست تا در ۱۳ مارس ۱۱۷۷ در لندن حاضر باشند. مسلماً وی به نظریات و آراء این افراد برای انجام داوری بین کاستیا و ناوارا نیاز داشت. افراد مذکور در زمان مقرر در لندن گرد آمدند و نمایندگان دو طرف دعوی نیز حضور خود را اعلام نمودند. در مرحله بعد، پادشاه به عنوان داور از نمایندگان طرفین خواست تا ادعاهای خود را به صورت مکتوب به وی تسلیم کنند. (موریس، ۱۹۳۳: ۵۵۳) برای این مسئله سه روز زمان مقرر شد و بعد از این دوره، محکمه داوری تشکیل شد. در تاریخ ۱۶ مارس، ادعای پادشاه کاستیا در مرحله اول به هنری تقدیم شد و نمایندگان این کشور به ارائه توضیحات شفاهی پرداختند. در مرحله بعد، ادعای پادشاه ناوارا مطرح گردید و با توضیحات نمایندگان این کشور دنبال شد. در مرحله بعد، هنری از نمایندگان دو طرف خواست تا سوگند یاد نمایند که حکم صادر شده را می‌پذیرند و اجرا می‌نمایند. در مرحله آخر، حکم هنری به صورت کتبی به طرفین ابلاغ گردید و یکی از برجسته‌ترین موارد داوری را در طول تاریخ رقم زد.

۴- تحولات داوری بین‌الملل تا پیش از قرن هجدهم میلادی

قبل از پرداختن به مسئله داوری در سطح بین‌الملل، لازم است که نگاهی به ایده و تئوری داوری داشته باشیم که توسط برخی فلاسفه گذشته طرح شده است. داوری ارتباط تنگاتنگی با تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل دارد. اولین مدرک مستدل دال بر استفاده از داوری در زمینه حل و فصل اختلافات بین‌المللی به اوایل قرن چهاردهم میلادی باز می‌گردد. در این زمان و در سال ۱۳۰۶ میلادی پیردوبوا^۲ یکی از مدافعان نرم‌اندی نسبت به نوشتن رساله‌ای اقدام نمود و در آن نسبت به توضیح و تشریح طرحی برای بازپس‌گیری سرزمین مقدس اقدام نمود. از آنجایی که موفقیت در جنگ‌های صلیبی امری وابسته به برقراری صلح در قاره اروپا بود، دوبوا ایده داوری را برای حل و فصل اختلاف‌های داخلی اروپا مطرح نمود. محکمه مسئول داوری

^۱. Castile and Navarre

^۲. Pierre Dubios

مشتمل بر سه قاضی از کلیسا و شش قاضی دیگر بود که از این تعداد از هر طرف اختلاف سه قاضی معرفی می‌شدند. تصمیمات اخذشده توسط داوران مذکور، قطعی و لازم‌الاجرا بودند و در صورت وجود اعتراض موارد باید تنها به پاپ ارجاع داده می‌شد. (پانزی، ۲۰۰۷: ۴۴)

در حدود دویست سال بعد از رسالهٔ دوبوا، شخص اروپایی دیگری بر لزوم اعمال داوری برای حصول صلح جهانی تأکید نمود. دسیدریوس اراسموس^۱ از ملت‌های اروپا درخواست نمود تا سلاح‌های خود را زمین بگذارند و در لوای عیسی مسیح از خواب غفلت بیدار شوند. وی در دو نوشتهٔ خود^۲ با برشمردن معایب جنگ بر این نکته تأکید نمود که تمایل و خواست حکمرانان جاه‌طلب برای به‌دست آوردن افتخار و ثروت، استفاده از سلاح بر ضد هم‌نوع را توجیه نمی‌کند و به باور وی مقام‌های مذهبی باتجربه، شوراها و مجالس سنا بیهوده توسط نیاکان ما تأسیس نشده‌اند و قطعاً باید از آن‌ها در راستای حل و فصل اختلاف‌ها استفاده شود؛ از این رو باید از قدرت داوری این مردان باتجربه در جهت حل و فصل اختلاف‌ها استفاده نمود. ایراسموس با استناد به تئوری‌های یک فیلسوف فرانسوی گمنام با نام کروس^۳ که در اوایل قرن هفدهم میلادی می‌زیست، به طرح عقاید خود پرداخت و در ضمن آن‌ها اذعان نمود که دلیلی برای دشمنی بین فرانسوی‌ها، انگلیسی‌ها و یا هندوها نمی‌بیند. کروس بر این باور بود که همهٔ انسان‌ها در معرض انجام خطا و اشتباه هستند و همگی برابرند؛ پس دلیلی برای دشمنی وجود ندارد. این عقیده را می‌توان به‌عنوان اولین خاستگاه داوری مدرن به شمار آورد. (اریک، بی تا: ۲۴)

وی در ضمن ابراز این عقیده، بر لزوم تشکیل یک پارلمان دائم متشکل از سفرای کشورهای شناخته‌شدهٔ جهان مانند چین، لهستان، انگلستان و حتی سرخ‌پوستان تأکید نمود. این پارلمان باید در ونیز تشکیل جلسه می‌داد که در آن زمان از مرکزیت برخوردار بود. هر گونه اختلافی بین دولت‌ها باید با اعمال قضاوت از سوی این مجلس حل و فصل می‌گردید و اگر دولتی از تصمیم‌های صادرشده توسط این مجلس پیروی نمی‌نمود، توسط اعضای این مجلس مورد تقبیح و مذمت قرار می‌گرفت. تصمیم‌های اتخاذشده توسط این مجلس باید به‌عنوان قوانین مصون و غیرقابل تعرض اجرایی می‌شدند و دولت‌ها باید قبل از ورود به این مجلس در این باره قسم یاد می‌نمودند. ضمن اینکه هر گونه تعرض و مخالفت با این تصمیم‌ها باید با پشتوانهٔ مداخلهٔ نظامی پایان می‌پذیرفت. شباهت بسیار زیاد و غیرقابل انکار پروژهٔ کروس با رویه‌های

^۱. Desiderius Erasmus

^۲. Querela Pacis and Adagia

^۳. Cruce

کنونی داوری، امری میرهن است؛ هرچند که رویه‌های کنونی داوری منعطف‌تر می‌باشند. پانزده سال بعد از پروژۀ کروس، در سال ۱۶۳۸، طرحی به جهت برقراری صلح جهانی توسط سولی^۱ پیشنهاد گردید. سولی وزیر پیشین هنری چهارم، پادشاه فرانسه بود. عقاید سولی که با عنوان عاشقانه سیاسی^۲ از شهرت زیادی برخوردار است در کتاب وی^۳ به‌خوبی تشریح شده است. به‌صورت خلاصه سولی معتقد به تشکیل شورایی متشکل از ۶۶ نماینده از ۱۵ قدرت اروپا در آن زمان بود. نمایندگان مذکور باید درمورد اختلاف‌های به‌وجودآمده به تبادل نظر می‌پرداختند، درمورد منافع و مزایای مختلف تصمیم‌های احتمالی بحث می‌کردند، اختلاف‌های به‌وجودآمده را حل‌وفصل می‌نمودند و امور مدنی، سیاسی و مذهبی و تجاری اروپا را در سطح داخلی و خارجی مدیریت می‌نمودند. (پانزی، ۲۰۰۷: ۶۵) این طرح به جهت برقراری صلح جهانی در گذشته مورد توجه بسیار زیادی قرار گرفت و دلیل اصلی این مسئله، اصالت این طرح و موقعیت برجسته و والای طراحش بود. در سال ۱۶۳۸ جزئیات این طرح توسط سولی تکمیل گردید. روشن است که این طرح به‌هیچ‌روی یک ایده سیاسی نبوده است؛ بلکه بیشتر انعکاس ایدئال‌های سولی درمورد برقراری صلح در اروپا می‌باشد. همچنین پدر حقوق بین‌الملل، هوگو گروسیوس^۴، در سال ۱۶۲۵ کتاب^۵ خود را منتشر نمود. وی در کتاب‌های دوم و سوم خود هم، بحث‌هایی را در باب تاریخچه و اهمیت داوری بین‌المللی مطرح نموده است. وی با برشمردن موارد تاریخی و موفق داوری به نوعی در پی اثبات حقانیت این شیوه برای حل‌وفصل اختلاف‌های سیاسی و تجاری بین‌المللی و پیشگیری از جنگ بوده است.

با پایان یافتن قرن شانزدهم میلادی، ویلیام پن^۶ مقاله‌ای درمورد صلح در اروپا منتشر نموده و در ضمن آن، ایده دادگاه بین‌المللی داوری را توصیف و تشریح نمود. وی پیشنهاد تأسیس یک شورا در اروپا مشتمل بر کل ملت‌هایی را داد که هر کدام متناسب با قدرت و وسعت خود دارای نمایندگانی در این سیستم باشند. این شورا باید به‌صورت منظم تشکیل جلسه می‌داد و درمورد قوانین مورد استفاده برای حکام در سراسر اروپا تصمیم‌گیری می‌نمود؛ ضمن اینکه باید تمام ابهامات و سؤالات طرح‌شده توسط نمایندگان کشورها هم مورد بررسی قرار می‌گرفت. تصمیمات و قوانین اتخاذشده توسط این شورا لازم‌الاجرا بود و اگر کشوری از آن‌ها تبعیت

1. Sully

2. Political romance or Grand Dessien

3. Oeconomies Royales

4. Hugo Grotius

5. De Jure Belli et Pacis

6. William Penn

نمی‌نمود با مجازات‌هایی مواجه می‌گردید که توسط کشورهای دیگر اعمال می‌گردید. پن نتیجه‌گیری نمود که اگر قوانینی که مورد استفاده والدین و اربابان برای کنترل فرزندان و املاکشان، قوانین مورد استفاده کلانترها برای کنترل شهرها و قوانین مورد استفاده حکمرانان برای کنترل ایالت‌ها و درنهایت قوانین مورد استفاده پادشاهان برای حکمرانی و فرماندهی در قلمروشان یکسان باشد، اروپا می‌تواند به صلح دست پیدا کند و آن را حفظ نماید. (پانزی، ۲۰۰۷: ۶۶)

سنت پیر آبه،^۱ اقتصاددان و فیلسوف فرانسوی، فرد تأثیرگذار دیگر در این حوزه است. وی معتقد به حل مشکلات بین‌المللی از طریق داوری و مصالحه بود. وی پیشنهاد نمود تا کنگره و یا مجلس سنایی تشکیل شود و نمایندگانی از سوی کشورهای مختلف در آن وجود داشته باشند که توسط پادشاهان هر کشور مشخص شوند. وی نیز همانند پن، معتقد به ایجاد یک ارتش مشترک برای پشتیبانی از احکام صادرشده توسط این شورا بود.

۵- تحولات داوری بین‌الملل در قرن هجدهم میلادی

قرن هجدهم به‌عنوان دوره‌ای طلایی در ظهور فلسفه سیاسی مطرح، و بدیهی است که تئوری‌های بسیار زیادی هم برای حصول و حفاظت از صلح بین‌المللی توسط مشاهیری نظیر روسو، جرمی بنتام و امانوئل کانت ارائه شد. روسو به‌صورت کامل عقاید طرح‌شده توسط سنت پیر را مورد تأیید قرار داد. وی با تأکید کردن بر ارتباطات پیچیده اجتماعی بین مردم اروپا، این مسئله را عنوان نمود که هر گونه بهبود و پیشرفت در این زمینه، باعث ارتقاء زندگی کل مردم اروپا می‌شود و اذعان نمود صلح یکی از مواردی است که این موضوع را تسریع می‌کند. (روسو، ۱۳۸۹: ۱۰۹)

از سوی دیگر، جرمی بنتام هم بر لزوم تشکیل دادگاهی در اروپا برای حفاظت از صلح تأکید نمود. وی موافق استفاده از نیروی نظامی در صورت سرپیچی از احکام صادرشده توسط این دادگاه بود؛ اما درعین‌حال بر این نکته نیز تأکید داشت که تقبیح عمومی و از سوی کل دولت‌های عضو می‌تواند خود به‌عنوان مانع مؤثری در جهت عدم سرپیچی از احکام صادرشده عمل کند.

^۱. Abbe Saint-Pierre

اما نام امانوئل کانت به تاریخ صلح تنیده شده است. وی طرح خود^۱ در مورد صلح جهانی را در سال ۱۷۹۵ منتشر نمود؛ اما نکته جالب توجه این است که حتی یک پاراگراف هم در مورد دادگاه داوری بین‌المللی در این طرح وجود نداشت. رویکرد کانت به فلسفه سیاسی که در کتاب «صلح پایدار» انعکاس یافته، از رویکرد معرفت‌شناسانه وی نسبت به فرد و جهان آغاز شده و سپس با ابتدای بر فلسفه اخلاق به طرح پیش‌شرط‌هایی برای دولت پرداخته است. در نهایت ستون‌های بنیاد صلح پایدار را معرفی می‌کند. (میر محمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۹) کانت در روزگار خود در قاره اروپا شاهد جنگ‌های بسیار بود که در مواردی چارچوب اتحاد میان چند کشور علیه دولت یا دولت‌هایی شکل می‌گرفت. یکی از کانون‌های اصلی این کشمکش فرانسه بود. کشور پروس یعنی محل زندگی کانت در آن زمان، رهبری جنگ علیه حکومت انقلابی فرانسه را بر عهده داشت. هنگامی که فرمانروایان جنگی پروس در واپسین ماه‌های سال ۱۷۹۴ دریافتند که شکست فرانسه کاری بس دشوار است، پیمان بال را در سال ۱۷۹۵ امضاء کردند. رساله «صلح پایدار» کانت در همین سال در گونیگسبرگ منتشر شد. (محمودی، ۱۳۸۵: ۱۳۶) کانت بر ایجاد فدراسیونی از دولت‌های جمهوری‌خواه تأکید نمود که در چارچوب تئوری قرارداد اجتماعی امکان‌پذیر بود. وی اذعان نمود که برای عملی شدن این رؤیا باید یک تحول اخلاقی به وجود بیاید و همه مردم را متحول و دگرگون کند.

با ورود به قرن نوزدهم میلادی باز هم شاهد ارائه طرح‌های بسیار زیادی برای حصول صلح جهانی بوده‌ایم. شرایطی که بلافاصله بعد از دوره ناپلئون بر جهان حاکم گردید، شباهت بسیار زیادی با وضعیت کنونی جهان دارد و همان تغییرات فاحش، خستگی از جنگ‌های متمادی و طولانی و نیاز به صلح ابدی احساس می‌شود. در این دوره، پادشاهان همچنان قدرتمند و سیاستمداران هم کمافی‌السابق گرفتار و درگیر امور خود بودند. دوره مترنیخ^۲ را به‌سختی می‌توان به‌عنوان دوره زمینه‌ساز داوری در نظر گرفت. (فراهانی، ۱۳۸۳: ۱۸۳)

از دیدگاه کلی، متفکران سیاسی این دوره، بیشتر به تشکیل نوعی فدراسیون برای حصول صلح علاقه‌مند بودند. در این‌بین به عقاید برخی از این متفکران اشاره خواهد شد. در سال

^۱ Zum ewigen Frieden

^۲ کنگره وین کنفرانس سفیران قدرت‌های بزرگ اروپا به ریاست دولتمرد اتریشی، کلمنز ونزل ون مترنیخ بود که از ۱ نوامبر ۱۸۱۴ تا ۸ ژوئن ۱۸۱۵ در وین برگزار شد. هدف آن حل مسائل و ترسیم دوباره نقشه سیاسی جدید اروپا پس از شکست امپراتور فرانسه ناپلئون بود که همچنین بازتابی از تغییر در جایگاه ملت‌دولت‌های اروپایی بود که با انحلال امپراتوری مقدس رم هشت سال پیش از آن روی داده بود. به‌رغم بازگشت ناپلئون از تبعید و ازسرگیری قدرت در فرانسه در مارس ۱۸۱۵ بحث‌ها ادامه یافت و سند نهایی این کنگره نه روز پیش از شکست نهایی ناپلئون در جنگ واترلودر روز ۸ ژوئن ۱۸۱۵ به امضا رسید.

۱۸۷۱، استاد برجسته دانشگاه کمبریج، پرفسور سر جان سیلی،^۱ در سخنرانی خود اذعان نمود که یک سیستم بین‌المللی مطلوب نمی‌تواند تنها متشکل از قدرت‌های بزرگ باشد. وی بر این باور بود که چنین کنگره‌ای شباهتی به دادگاه ندارد؛ چراکه اعضای آن افراد ذی‌نفع هستند و خواهان در مقام قاضی قرار دارد. از دیدگاه وی دادگاه خوب، دادگاهی نیست که هر دو طرف در آن حاضر باشند؛ بلکه دادگاهی است که هیچ‌یک از دو طرف در آن حضور نداشته باشند. (روسن فیلد، بیتا: ۱۳۴۵)

مورد دیگری که وی بر آن تأکید داشت این بود که دولت‌هایی که در دادگاه بین‌المللی طرح دعوی کرده و یا به‌عنوان خواننده احضار می‌شوند، باید دارای نوعی نظام فدرالی همانند نظام کنونی ایالات متحده باشند و قوه‌های مقننه، مجریه و قضائیه در آن‌ها تفکیک شده باشند. بدیهی است که برآوردن این الزام در آن زمان به‌آسانی مقدور نبوده است.

مباحث طرح‌شده توسط سیلی توسط شخص دیگری به نام یوهان بلانسچی^۲ توسعه داده شد. وی در سال ۱۸۷۸ طرح جامعی را برای سازمان‌دهی و ایجاد اتحادیه اروپا ارائه نمود. اگرچه دادگاه داوری و یا هر تأسیس مشابهی که مدنظر وی بود در پروژه وی در جایگاه دوم قرار می‌گرفت، اما پیشنهاد وی به‌عنوان شالوده برقراری عدالت در سطح بین‌المللی، امری است که نمی‌توان آن را از نظر دور داشت. وی پیشنهاد تشکیل شورای کوچکی مشتمل بر نمایندگان دولت‌های اروپایی را مطرح نمود. این شورا باید در همکاری با سنایی کار می‌کرد که متشکل از نمایندگان افسار مختلف اروپا بود که توسط مجالس در سطح ملی انتخاب می‌شدند. یکی از وظایف مجلس سنای مذکور، نظارت بر کار شورا بود؛ ضمن اینکه هر دو نهاد، وظیفه تدوین قانون بین‌الملل را بر عهده داشتند. موارد مهم دارای اهمیت سیاسی از جمله وجود، استقلال و یا آزادی دولت‌ها باید به سمع و نظر شورا می‌رسید و تصمیم‌های اتخاذشده باید توسط سنا مورد بررسی و نظارت قرار می‌گرفت. از سوی دیگر، موارد دارای اهمیت کمتر، از جمله ارتباطات تجاری بین‌المللی، تعیین مرزها، تعبیر و تفسیر معاهدات مرتبط با تجارت و تعرفه‌ها و قوانین مرتبط با خطوط تلگراف، خطوط آهن و بنادر باید توسط دوایری مورد رسیدگی قرار می‌گرفتند که تحت نظارت شورا قرار داشتند. دادگاه‌های داوری در رأس دوایر قرار می‌گرفتند. بلانسچی بر این باور بود که اجرای احکام قاعداً باید به دولت‌های مرتبط سپرده شود؛ اما در موارد استثنایی روش‌های دیگری برای اجرای احکام پیشنهاد شده بود. در صورت لزوم استفاده از

^۱. Sir John Seeley

^۲. Johann Bluntschi

اجبار، شورا و سنا مراجع مناسبی برای اقدام و عمل در نظر گرفته نشدند. در چنین مواردی، همکاری قدرت‌های بزرگ به‌عنوان امری ضروری تلقی می‌شد. برای تضمین اجراشدن عدالت در هر زمانی بلانسچی پیشنهاد کرده بود که سنا و شورا در درجه نخست در مورد سیاستی خاصی که با اکثریت آراء به تصویب می‌رسید، موافقت کنند. میزان این حداکثر دوسوم آراء در نظر گرفته شده بود. شباهت بسیار زیادی که بین این طرح و رویه کنونی که در سطح بین‌المللی بین کشورها در جریان است، بسیار بارز و مشهود است. (پانزی، ۲۰۰۷: ۳۵)

۶- داوری بین‌الملل در عصر مدرن

دوره مدرن داوری بین‌المللی از زمان انعقاد معاهده جی^۱ در سال ۱۷۹۴ آغاز می‌شود. با گذشت قرون شانزدهم، هفدهم و هجدهم میلادی، داوری روندی رو به تکامل را طی نمود؛ هرچند که دوره مدیدی را در سکون و رکود گذراند. بدیهی است که قرن شانزدهم با داشتن موارد اندکی از داوری بین‌المللی نمی‌تواند سهم قابل توجهی در رشد و شکوفایی این مسئله داشته باشد. اصول داوری در طول سه سده مذکور، موارد دور از ذهنی نبودند و داوری به‌عنوان جزئی از معاهدات صلح همواره مورد توجه بود. فلاسفه و اخلاق‌گرایان هم در این قرون مسئله صلح جهانی را مطرح نمودند و این مسئله به‌ویژه در قرن هجدهم که مفاهیمی چون برادری جهانی^۲ و کمال اجتماعی^۳ به وجود آمده و رشد کردند، از اهمیت زیادی برخوردار بود. به‌وجود آمدن مفاهیمی چون ملی‌گرایی در قرن شانزدهم و هفدهم به‌هیچ‌روی کمکی به برقراری روابط دوستانه بین ملت‌ها نکرد. کشف قاره آمریکا باعث شد رؤیاهای جدیدی برای کشف مکان‌های ناشناخته جهان به وجود بیاید و دولت‌ها برای قدرت بیشتر در عرصه دریاهای وارد جنگ‌ها و رقابت‌های جدیدی شوند. از سال ۱۷۹۴ و انعقاد معاهده جی داوری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های گفت‌وگو و تعامل بین‌المللی اهمیت روزافزونی یافت؛ اما رشد این مسئله امری یکنواخت نبود و حداقل در قرن گذشته، جنگ و صلح، دو مقوله‌ای بوده‌اند که به موازات هم قرار داشته‌اند. (وفادار، ۱۳۸۷: ۲۸)

با پایان یافتن دوره ناپلئون، اذهان جهانیان بیشتر معطوف به مسائلی شد که غیرقابل حل باقی مانده بودند. با برگزارشدن کنگره ۱۸۱۵، چشم‌ها به سمت وین دوخته شد. در این زمان،

1. Jay Treaty

2. Universal Brotherhood

3. Social perfectibility

الکساندر، پادشاه روسیه با تشکیل اتحادی در اروپا در پی برقراری صلح جهانی بر پایه نظام پادشاهی بود. در این طرح، پادشاهان باید با نظارت بر قلمرو تحت امر خود از وقوع جنگ پیشگیری می‌نمودند. الکساندر سعی کرد تا ایده‌های خود را در قالب حقایق دیپلماتیک بیان کند و اگرچه موفق شد تا صدای خود را به گوش میلیون‌ها اروپایی برساند، به دلیل اینکه از امتیازات مستبدانه خود صرف‌نظر نکرد، هیچ وقت شاهد برقراری حکومت مردمی نبود.

در دهه‌های میانی قرن نوزدهم، داوری بیش از هر زمان دیگری معمول و مرسوم گشت. قدرت‌های بزرگ و کوچک در حل‌وفصل انواع معضلات اعم از سیاسی و تجاری از این رویه استفاده می‌نمودند. با وقوع پدیده انقلاب صنعتی، زندگی مردم و ملت‌ها به تدریج پیچیده‌تر شد و این مسئله نتیجه غیرقابل اجتناب توسعه ابزارهای ارتباطی و دسترسی به نقاط دور از دسترس بود. در این زمان، موضوع اختلاف‌ها بیشتر موارد تجاری و اقتصادی بود و بریتانیا و ایالات متحده در استفاده از رویه داوری پیشتاز بودند؛ البته در این میان کشورهای آمریکایی جنوبی و مرکزی در رده‌های بعدی قرار داشتند. (کوهن، ۱۹۵۱: ۴۵)

با پایان یافتن جنگ مکزیک در سال ۱۸۴۸، یک بند داوری در معاهده گوادالوپ هیدالگو^۱ قرار داده شد. موضوع این بند، داوری دائمی بود که اولین مورد از این نوع در تاریخ به حساب می‌آید. در سال ۱۸۷۱، معاهده واشنگتن^۲ توسط ایالات متحده و دولت بریتانیا امضا گردید. در این معاهده در مورد چهار موضوع مهم و مورد اختلاف این دو کشور توافقاتی به عمل آمد و مقرر شد که برای حل‌وفصل آن‌ها از داوری استفاده شود. داوری‌های صورت‌گرفته براساس این معاهده از مهم‌ترین موارد داوری در قرن نوزدهم می‌باشند. ضمن اینکه موارد دیگری از داوری هم بین ایالات متحده و بریتانیا وجود داشته‌اند. در این زمان کشورهایی هم بودند که از رویه داوری استفاده نکردند و درگیر جنگ‌های مداوم و خونینی شدند که از جمله می‌توان به جنگ اقیانوس آرام بین شیلی و پرو اشاره نمود. در برخی موارد هیئت‌های داوری بسیار کند عمل می‌کردند و باعث دامن‌زدن به اختلافات و ایجاد مشکلات بیشتر می‌شدند. در برخی موارد دیگر نیز هیئت داوران به توافق نمی‌رسیدند و جلسات آن‌ها دچار وقفه و تعلیق می‌شد. از جمله این موارد می‌توان به اختلاف مرزی بین بریتانیا و لیبریا در سال ۱۸۷۸ اشاره نمود.

^۱. Guadalupe Hidalgo

^۲. Treaty of Washington

در سال ۱۸۹۸، نیکلاس دوم^۱ تزار روسیه پیام خود را به گوش جهانیان رساند و از آن‌ها درخواست نمود که سلاح‌های خود را زمین بگذارند و به صلح جهانی توجه کنند. در تاریخ ۲۴ آگوست ۱۸۹۸ وزیر امور خارجه روسیه مأمور شد تا پیامی را به کشورهای دیگر ابلاغ نماید و در ضمن آن به اطلاع برساند تا تزار خواهان برگزاری کنفرانسی برای حل مشکلات جهانی و برقراری صلح است. در سال ۱۸۹۹ اولین کنفرانس لاهه تشکیل گردید و این تلاش موفقیت‌آمیزی بود برای پایه‌ریزی و تشکیل یک دادگاه دائمی داوری. (مالوری، ۱۳۸۳: ۹۶)

استفاده از عبارت دادگاه دائمی شاید کمی گمراه‌کننده باشد؛ چراکه تمامی اعضای این دادگاه نباید همیشه حاضر باشند؛ بلکه وجود برخی از آن‌ها تنها زمانی اجباری است که ضرورت ایجاب نماید. زمانی که دولتی دادخواستی را طرح می‌نماید باید از پنل داوری موجود، تعدادی داور را انتخاب نماید. اگر امکان تشکیل محکمه داوری با استفاده از اعضای پنل داوری و به‌موجب توافق مستقیم میسر نمی‌گردید، هر طرف باید دو داور را انتخاب می‌نمودند که این افراد باید در نهایت یک داور را انتخاب و معرفی می‌نمودند. در مواردی که آراء برای انتخاب یک داور برابر بود، باید مراتب به یک دولت بی‌طرف سپرده می‌شد که مورد تأیید هر دو طرف بود. در پایان، اگر طرفین نمی‌توانستند در مورد انتخاب یک کشور بی‌طرف به توافق برسند، باید هر یک نسبت به انتخاب یک کشور بی‌طرف اقدام می‌نمودند و این دو کشور نسبت به انتخاب داور اقدام می‌نمودند.

کاملاً واضح و مشهود است که کنوانسیون لاهه وسیله‌ای در راستای اعمال داوری اجباری نبوده است و این مسئله همواره از سوی بسیاری از مدافعان صلح به‌عنوان نقص اصلی این نهاد مورد توجه بوده است. نکته‌ای که باید بدان توجه کنیم این است که در سال ۱۸۹۹ عملاً امکان تشکیل چنین نهادی و قراردادن چنین شرطی در کنوانسیون وجود نداشته است. در سال‌های متعاقب اولین کنفرانس لاهه، عملکرد این دادگاه دائمی براساس پیش‌بینی‌های انجام‌شده نبود. درحقیقت این دادگاه در حال زوال بود تا اینکه روزولت در سال ۱۹۰۲ پرونده‌ای^۲ را به این دادگاه تسلیم نمود. موارد بسیار اندکی به این دادگاه ارائه شد تا زمانی که در سال ۱۹۰۷ دومین کنفرانس لاهه برگزار گردید. (وفادار، ۱۳۸۷: ۱۹۴)

^۱ Nicholas

^۲ Pious Fund

در حین برگزاری کنفرانس دوم عملکرد دیوان لاهه مورد انتقاد بسیاری از نمایندگان کشورهای مختلف قرار گرفت و موضوع داوری اجباری اگرچه در تئوری پذیرفته شد، اما هیچوقت به مرحله عمل نرسید. در این میان نمایندگان نتوانستند در مورد رویه قطعی انتخاب داورها به توافق برسند. موارد دیگری بود که مورد توافق همگان قرار گرفت که از جمله می توان به ایجاد کمیته های قضایی خاصی اشاره نمود که به موارد و پرونده های دارای اهمیت کمتر رسیدگی می کردند؛ ضمن اینکه پرونده های بسیار مهم باید با حضور کل اعضای دادگاه مورد بررسی قرار می گرفتند. لازم به ذکر است که در این کنفرانس کلیه موارد مرتبط صلاحیت ها، شرح وظایف و امتیازات قضات مورد بررسی و توافق قرار گرفت. با همه این موارد هنوز اجماعی در مورد چگونگی انتخاب قضات حاصل نشده بود.

با آغاز جنگ جهانی، دادگاه به تعطیلی کشیده شد؛ اما در دوره متعاقب پایان جنگ جهانی رویه روبه رشدی برای ارجاع اختلافات بین المللی به دادگاه لاهه مشاهده گردید. این اختلافها ماهیت و انواع مختلفی داشتند و نمی توان نتیجه گیری خاصی در مورد نوع و ماهیت آنها صورت داد. در این میان ایالات متحده به تنهایی در حوزه صلح فعالیت می نمود. در نشستی که با موضوع داوری بین المللی و صلح در سال ۱۹۱۰ در نیویورک برگزار گردید، رئیس جمهور وقت آمریکا در آن زمان در ضمن اظهارتی بر این موضوع تأکید نمود که علاوه بر موارد مرتبط با دارایی ها و مالکیت های ملی موارد مرتبط با صلح و غرور ملی نیز باید به دادگاه ارجاع داده شود. مدت زیادی بعد از ایراد سخنرانی نگذشت که گام های بسیار مهمی در جهت انعقاد معاهدات مبتنی بر داوری اجباری برای حل و فصل اختلاف های بین ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه برداشته شدند. در تابستان سال ۱۹۱۱ اعلام شد که چنین معاهداتی به امضای طرفین رسیده اند و طرفین توافق نموده اند که موارد مطرود و کهنه ای چون غرور ملی و منافع حیاتی خود را در این میان به دست فراموشی بسپارند. شرح مفاد این اسناد ضروری نیست؛ چراکه سنای آمریکا با تصویب موارد محافظه کارانه ای این برنامه را نیمه کاره گذاشت و تافت^۱ رئیس جمهور وقت آمریکا را ناامید کرد؛ با این حال شکست تافت، منجر به موفقیت ویلسون و وزیرش برایان^۲ در سال ۱۹۱۳ گردید. در این زمان، طرحی توسط این افراد ارائه شده بود و ضمن آن پیشنهاد شده بود تا اختلافات بین ملت های مختلف به صورت اجباری مورد حل و فصل

^۱ Mr. Taft

^۲ Bryan

قرار بگیرند. کنفرانس‌های اولیهٔ لاهه، ماهیتی اختیاری و داوطلبانه داشتند و برایان امیدوار بود که این طرح بتواند به آن‌ها ماهیتی اجباری و صد البته نیرومندتر ببخشد. اگرچه طرح وی توانست توفیقاتی کسب کند، اما این موفقیت به طول نینجامید و در آگوست ۱۹۱۴ جنگ جهانی اول آغاز شد. تمام آرزوها و امیدهایی که به کنفرانس سوم لاهه بسته شده بودند به باد رفتند و کنفرانس‌های صلح لاهه، وین، استکلهم، مونیخ برای مدت نامعلومی به تعویق افتادند. (تانینگچی، ۱۹۹۸: ۳۵۵)

در سال ۱۹۲۰، جامعهٔ ملل^۱ متعاقب به‌پایان‌رسیدن جنگ جهانی اول در تاریخ ۱۰ ژانویه به‌عنوان نتیجهٔ عملی کنفرانس صلح پاریس تشکیل شد. مادهٔ ۱۴ از این موافقت‌نامه بسیار قابل توجه است. به‌موجب مادهٔ مذکور، اعضای جامعهٔ ملل باید مقدمات تشکیل دادگاه دائمی بین‌المللی را فراهم آوردند. این دادگاه باید به گونه‌ای پایه‌ریزی و سازمان‌دهی شود که بتواند کلیهٔ اختلاف‌های بین‌المللی با هر موضوعی را حل‌وفصل نماید. این دادگاه همچنین می‌تواند نسبت به دادن مشاوره و پاسخ به سؤالاتی که طرح می‌شوند، اقدام نماید.

یکی از وظایف جامعهٔ ملل، تشکیل کمیته‌ای برای نظارت بر کار دادگاه بین‌المللی و تطابق آن با مفاد موافقت‌نامهٔ پاریس بود. این کمیسیون کار خود را در تاریخ ۱۶ ژوئن ۱۹۲۰ در لاهه آغاز نمود. کمیسیون مذکور ضمن ارائهٔ طرحی نسبت به ارسال آن برای اعضای جامعهٔ ملل اقدام نمود. در یادداشتی که همراه طرح مذکور تقدیم دولت‌های عضو گردید، تصریح شده بود که دادگاه تشکیل‌شده حاصل بحث‌ها و اقدامات بسیار طولانی است و اعضای آن از بین کشورهای مختلف انتخاب شده‌اند؛ به گونه‌ای که این مسئله تضمین‌کنندهٔ لحاظ‌نمودن دیدگاه‌های مختلف کشورهای عضو در رویهٔ کار این دادگاه است. آنچه اکنون در ضمن این طرح مطرح شده است، ماهیت متفاوتی با دادگاه داوری دارد که مذاکرات مرتبط با آن در سال ۱۹۰۷ بدون نتیجه به پایان رسید. تعدد و تفاوت دیدگاه‌ها در بین متخصصان چیره‌دست این دادگاه امری غیرقابل اجتناب و درعین‌حال طبیعی است. انتظار می‌رود برای اجتناب از تکرار شکست سیزده سال پیش دولت‌ها و نمایندگان آن‌ها انعطاف‌پذیری بیشتری از خود نشان داده و نسبت به پذیرش عقاید و دیدگاه‌های دیگر کشورها پذیراتر باشند. این مورد با اقبال کشورهای عضو جامعهٔ ملل مواجه گردید و امروزه دادگاه لاهه به‌عنوان دادگاه بین‌المللی و دائمی برای اجرای عدالت در سطح جهان به کار مشغول است.

¹ League of Nations

۷- داوری تجاری بین‌الملل

تجزیه دولت‌ها و حاکمیت‌های بزرگ در دوران معاصر و در نتیجه افزایش شمار کشورهای مستقل و نیز پراکندگی منابع زیرزمینی و خام و فرآورده‌های کشاورزی بیش‌ازپیش دولت‌ها را محتاج روابط بازرگانی با یکدیگر کرده است. تکروی و انزوا در دنیای امروز ثمربخش نیست و ضرورت زندگی همراه با حسن تفاهم و ارتباط با یکدیگر اجتناب‌ناپذیر است. عزلت و انزوا و قطع روابط اقتصادی، حتی در مواقع بروز اختلاف خارجی و مشاجرات سیاسی امکان‌پذیر نیست. سیاست خودکفایی امروز دیگر مقدور نیست. بشریت امروز به صورت یک خانواده درآمده است؛ حتی دورافتاده‌ترین ملت‌ها نمی‌توانند خود را جدا از دیگران نگاه دارند. از آنجایی که تجارت یکی از شایع‌ترین و مهم‌ترین صور ارتباطی دولت‌ها با یکدیگر است که در ضمن آن، مبادلات تجاری، فرهنگی و سیاسی رخ می‌دهد، بیهوده نیست که جامعه جهانی نیز یکی از تلاش‌های خود را در جهت یکپارچگی و وحدت حقوقی از این حیث شروع کرده است.

داوری تجاری نیز یکی از مهم‌ترین نهادهای حقوقی است که از دیرباز در تاریخ بشریت وجود داشته و چنان‌که گذشت هنجارهای مربوط بدان از کهن‌ترین هنجارهای حقوقی است؛ از این‌روی تاریخ تحول نظام‌های حقوقی، رابطه مستقیم با تطور هنجارهای حقوقی مربوط بدان در جوامع و فرهنگ‌های گوناگون حقوقی و اشکال متفاوت دولت دارد. در طی روزگاران دراز، علاقه به انعقاد قرارداد داوری، به صورت‌های گوناگون در زندگی فردی و اجتماعی آدمیان، دگرگونی‌های عمیق و وسیعی را موجب شده است. با وقوع رنسانس در غرب وحدت مذهبی در برخورد با اصلاح مذهبی یا رفرم شکست خورد و فعالیت بشری با قدرت و وسعت بسیار در طریقی نو گام نهاد. این تحول و از جمله پیدایی حاکمیت‌های مستقل باعث شد که حقوق معاهدات تجاری بین‌الملل نیز دچار دگرذیسی شود و از یک‌جانبه‌گرایی حاکم در قرون وسطی به چندجانبه‌گرایی تبدیل شود. در قرن نوزدهم به‌رغم انعقاد معاهدات بین‌المللی، اما حقوق معاهدات مرتبط با داوری تجاری بین‌الملل دچار تحولی عمیق نشد؛ ولی در فاصله جنگ‌های جهانی، تحولاتی عظیم در این زمینه رخ داد. امروزه معاهدات بین‌المللی راجع به داوری تجاری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع حقوق بین‌الملل و حتی حقوق داخلی، فعالیت‌های تجاری کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را در صحنه بین‌المللی شکل می‌دهند و تجلی بنیادین زیست بین‌المللی‌اند. در واقع پس از تشکیل جامعه ملل متحد و بعد از آن با تشکیل سازمان ملل متحد به طور رسمی از ۱۹۴۵ به بعد حقوق تجارت بین‌الملل به شکل مدرن و امروزی آن به صورت بین‌رشته‌ای توسعه یافته است. (شیرانی، ۱۹۹۳: ۱۴۴)

از طرفی طبیعت برون‌مرزی معاملات بین‌المللی و ویژگی‌های خاص آن از جمله اختلاف محل تجارت خریدار و فروشنده، حجم زیاد کالاها، طولانی‌بودن مسیر حمل کالاها، عدم شناخت طرفین از اعتبار مالی یکدیگر و خطراتی که در طول مسیر کالاها را تهدید می‌کند، از عوامل تمایز بیع داخلی و بین‌المللی هستند. عوامل فوق‌الذکر سبب شده است تا قوانین ملی یا داخلی کشورها در حل مشکلات ناشی از بیع بین‌المللی زمانبر، فرسایشی و نارسا باشند. کمتر رابطه تجاری را می‌توان سراغ گرفت که در آن داوری نقش عمده‌ای بازی نکند. نگاهی گذرا به حقوق کشورهای مختلف نشان‌دهنده آن است که قراردادهای داوری تجاری بین‌المللی نیز از حیث حقوق داخلی اهمیتی بیش از گذشته پیدا کرده‌اند. فناوری‌ها و رویه‌های جدید، راهکارهای نوین می‌طلبند و مراودات بازرگانی که با سرعتی حیرت‌آور جنبه فراملی پیدا می‌کنند، نیازمند راه‌حلهایی هستند که باید در سطحی وسیع‌تر از مرزهای ملی مقبول افتند. نیک پیدا است برخلاف حوزه‌های حقوق عمومی، حساسیت‌های حاکمیت‌های ملی نسبت به مسائل حقوق خصوصی آنچنان شدید نیست که نتوان از تکروری و انزوای قانونگذار داخلی احتراز جست و از کثرت نامی‌مون به سوی وحدت موزون گام برداشت. (اخلاقی، ۱۳۷۹: ۱۵)

از حیث تاریخی، اتاق بازرگانی بین‌المللی نخستین نهادی است که در سال ۱۹۲۳ قواعدی را راجع به داوری تجاری بین‌الملل وضع نمود. در آن زمان، نوشته‌ای موسوم به «سند مأموریت» بر عهده دادگاه آی‌سی‌سی‌سی گذاشته شد. (علمی یزدی، ۱۳۹۴: ۱۲۴) همچنین مرکز حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری (ایکسید)^۱ یک نهاد داوری پیشرو در حوزه حل‌وفصل اختلافات دولت-سرمایه‌گذار خارجی است^۲ که براساس کنوانسیون حل‌وفصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و اتباع دولت‌های دیگر (کنوانسیون واشنگتن)^۳ به‌عنوان بخشی از بانک جهانی تأسیس شده است. کنوانسیون واشنگتن در سال ۱۹۶۵ برای امضا و تصویب گشوده شد.

کنوانسیون شناسایی و اجرای آراء داوری خارجی در نوع خود مهم‌ترین معاهده بین‌المللی به شمار می‌آید و مقررات آن مورد استناد دادگاه‌های کشورهای عضو قرار می‌گیرد. این

^۱ International Center for Settlement of Investment Disputes ("ICSID" or "Center")

^۲ براساس آخرین آمار آنکند تا پایان سال ۲۰۱۱ میلادی مجموعاً ۴۵۰ دعوای اعلام‌شده دولت-سرمایه‌گذار براساس معاهدات سرمایه‌گذاری برای رسیدگی داوری نزد مراجع بین‌المللی به ثبت رسیده که از میان آن‌ها ۲۷۹ دعوای نزد ایکسید شامل تسهیلات اضافی ایکسید (۶۲درصد) و ۱۲۶ مورد تحت قواعد داوری آنسیترال (۲۸درصد) به ثبت رسیده است:

<http://iiadbcases.unctad.org/cases.aspx> (last retrieved on 7 April 2013).

^۳ Convention on the Settlement of Investment Disputes between States and Nationals of Other States ("ICSID Convention" or Washington Convention").

کنوناسیون که به کنوانسیون نیویورک معروف است در تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۵۸ به تصویب رسیده است. در سال ۲۰۰۲ کمیسیون حقوق تجارت بین الملل سازمان ملل متحد (آنسیترال) قواعد نمونه‌ای را تحت عنوان قانون نمونه آنسیترال راجع به سازش تجاری بین المللی تدوین نمود. (دارابی، ۱۳۸۵: ۴۵)

عمدتاً سازمان‌های داوری تجاری بین المللی به سه گروه تقسیم می‌شوند:

- الف- سازمان‌های داوری بازرگانی بین المللی با صلاحیت عام
این دسته از سازمان‌ها به هرگونه دعاوی تجاری بین المللی رسیدگی می‌کنند و محدودیتی در رسیدگی ندارند. معروف‌ترین و اصلی‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:
 ۱. دیوان داوری اتاق بازرگانی بین المللی؛^۱
 ۲. دیوان داوری بین المللی لندن؛^۲
 ۳. انجمن داوری آمریکا؛^۳
 ۴. مرکز بین المللی حل و فصل اختلافات راجع به سرمایه‌گذاری؛
 ۵. انجمن داوری اتاق تجارت استکهلم.

ب- سازمان‌های داوری بازرگانی بین المللی با صلاحیت خاص

این گروه از سازمان‌های داوری که بیش از ۹۰ درصد سازمان‌های داوری بین المللی را تشکیل می‌دهند فقط در محدوده دعاوی خاصی که برای رسیدگی به آن‌ها تشکیل شده‌اند فعالیت می‌کنند؛ مثل اتاق دریایی پاریس؛^۴ انجمن داوری دریایی لندن؛^۵ انجمن شکر و کاکائوی لندن و

ج- سازمان‌های داوری بازرگانی منطقه‌ای عام

سازمان‌هایی هستند که از لحاظ رسیدگی حیطه تجارتي محدودیتی ندارند؛ ولی از لحاظ جغرافیایی به مناطق خاصی محدودند.

۱. کمیسیون داوری بازرگانی بین المللی آمریکاییان؛
۲. مراکز داوری کوالامپور (مالزی)؛

^۱. (تأسیس ۱۹۲۳ - پاریس)

^۲. (تأسیس ۱۸۹۲ - لندن)

^۳. (تأسیس ۱۹۲۳ - نیویورک)

^۴. CAMP

^۵. LMAA

۳. مرکز داوری منطقه‌ای تهران.^۱

د- مراکز داوری سازمانی در ایران

امروزه در بسیاری از کشورها، حل و فصل اختلافات بین‌المللی تجاری و اجرای احکام داوران، دلیل مهمی را جهت توجه به سرمایه‌گذاران خارجی باقی می‌گذارد. گرایش دادگاه محلی به حفظ تعصب آمیز قضاوت و اصول محافظه‌کارانه‌اش نمونه‌هایی از حمایت‌های دادگاه محلی و دولتی‌اند که کارکنان محلی دادگاه را مجبور به اجرای دستورات می‌کنند؛ به این معنی که در قضاوت‌های داوری بین‌المللی تأخیر و حتی کاملاً درنگ و تعلل ورزند.

نتیجه‌گیری

داوری در حوزه‌های مختلف حیات آدمی و در موضوعات مختلف رسوخ کرده و نمود یافته است. برخلاف منشاء ظاهری داوری نباید ریشه‌های آن در دوره باستان و قرون وسطی و تحولات پس از آن یعنی در دوران معاصر در حقوق خصوصی و روابط بین‌اشخاص این شاخه از علم حقوق جست‌وجو کرد. داوری با شکل‌گیری تنش و تقابل و تعارض دیدگاه‌ها بین دولت‌شهرها و پس از آن با ظهور دولت‌های مدرن شکل گرفت و سیر تطور و تکامل خود را از منظر مبنایی طی نمود. پس از آن استفاده از این سازوکار به دلیل محاسنی که داشت به حیطة تجارت بین‌الملل راه یافت. در دوران باستان و قرون وسطی پس از دفاع از این ایده به دلیل صرفه و صلاح‌دید طرفین رابطه اختلاف، اندیشمندان لیبرال نیز در آثار خود پرهیز از تنش و دفاع از داوری را به‌عنوان روش برتر حل و فصل اختلاف بین دولت‌ها سرلوحه کار قرار دادند. پس از طرح با طرح نظریه جهان‌شمول و اخلاق‌گرایانه «صلح پایدار» حکیم شهیر آلمانی، ایمانوئل کانت، کاربست و توسل به سازوکار داوری به مرحله توجیهات نظری و آکادمیک وارد شد. با گسترش تعامل میان دولت‌های مدرن در حوزه تجارت بین‌الملل و تأسیس نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و شروع به مطالعات تطبیقی، ایده داوری تجاری بین‌الملل به‌واسطه کارایی و اثربخشی لازم به‌عنوان یک روش و پس از آن شاخه‌ای مستقل از دانش پا به عرصه حیات حقوقی گذاشت. امروزه سخن‌گفتن از وجود این نهاد به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی با تحولاتی نظیر داوری آنلاین یا برخط روبه‌رو شده که سرعت و کارایی و اثربخشی بیشتری را در آینده

^۱.TRAC

برای این نهاد نوید می‌دهد. به نظر می‌رسد برای انجام پژوهش‌های بعدی می‌توان سیر تاریخی و تحول داوری را در نظام‌های بزرگ حقوقی با تاکید بر مصادیق مهم آن در نظام‌هایی نظیر انگلستان و فرانسه به انجام رسانید. همچنین می‌توان نتایج پژوهش‌ها را از حیث فواید و مضار بررسی و به توجه به تحولات اجتماعی جامعه ایران امکان کاربست آن را برای رسیدن به نتایج مطلوب اعمال نمود.

فهرست منابع و مآخذ

منابع فارسی

۱. اخلاقی، بهروز و امام، فرهاد، «اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی»، نشر شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۷۹
۲. دادور، ابوالقاسم، «دادگری در باستان»، نشر آبرخ، چاپ اول، ۱۳۹۹
۳. دارایی، محمدهادی، «مقدمه‌ای بر داوری تجاری ملی و بین‌المللی»، مجله راهبرد، پاییز ۱۳۸۵
۴. دارک، کن، «مبانی نظری باستان‌شناسی»، ترجمه کامیار عبدی، نشر مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۹
۵. دلز، نیکول، «حاکمیت قدرت یا حاکمیت قانون»، ترجمه کاظم غریب‌آبادی و حسین حجازی، نشر ابرار ایران معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۳
۶. ژان ژاک روسو، «قرارداد اجتماعی»، برگردان مرتضی کلانتریان، نشر آگه، چاپ پنجم، ۱۳۸۹
۷. شیرانی، مسعود، «نقض احتمالی قرارداد در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا»، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور تهران جنوب، ۱۳۹۳
۸. علومی یزدی، حمید، «آزادی، یاسمن، داوری نامه و جایگاه آن در داوری تجاری بین‌الملل»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال سوم، شماره یازدهم، ۱۳۹۴
۹. فلسفی، هدایت‌الله، «حقوق معاهدات بین‌الملل»، نشر فرهنگ نشر نو، چاپ اول، ۱۳۸۳
۱۰. قائم‌مقام فراهانی، عبدالمجید، «حقوق بین‌الملل عمومی»، نشر نگاه بینه، چاپ اول، ۱۳۸۳
۱۱. گرشاسبی، اصغر، «هنر و فن میانجی‌گری»، نشر مهاجر، چاپ اول، ۱۳۸۸
۱۲. مالوری، فیلیپ، «اندیشه‌های حقوقی»، ترجمه مرتضی کلانتریان، نشر آگه، چاپ اول، ۱۳۸۳
۱۳. محمودی، سیدعلی، «صلح پایدار کانت و بازتاب آن در جهان امروز»، پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۸، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۵
۱۴. میرمحمدی، معصومه‌سادات، «مقایسه صلح پایدار در اندیشه انسان‌محور کانت و صلح عادلانه در اندیشه متفکران شیعی»، نشریه معرفت ادیان، سال دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۰

۱۵. وفادار، علی، «حل و فصل اختلافات بین دولت‌ها از طریق داوری بین‌المللی»، نشر وفادار، چاپ اول، ۱۳۸۷
۱۶. وفایی، منصور، «حقوق معاهدات بین‌المللی»، نشر مجد، چاپ اول، ۱۳۹۵
۱۷. هاشمی، ندا، «شرایط درج شروط داوری در قراردادها و معاهدات بین‌المللی»، نشر جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۶
۱۸. یوسفزاده، مرتضی، «آیین داوری»، نشر شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۹۲

منابع انگلیسی

1. Cohen, Morris. R and Cohen, Felix. S, 1951, Readings in Jurisprudence and Legal Philosophy, Volume 1, New York City, little Brown and company.
2. Maria Panezi, Sources of Law in Transition Re-visiting General Principles of International Law, ANCILLA IURIS (anci.ch) 2007
3. Martino, P., Arbitrator, Biblioteca di ricerche linguistiche e filologiche, vol. 17, Roma, 1986, pp. 28-29; Ziegler, K.- H., op. cit. (n. 11), p. 5
4. Mazeaud (h.l.e.t.j) leçon de droit civil, tome 2 obligation, théorie générale & éme ed. par chabas, 1999
5. Metzger, E., Roman Judges, Case Law, and Principles of Procedure, in: Law and History Review, 2004, Vol. 22, No. 2, pars 39, 10 Jul. 2011 at: <http://www.historycooperative.org/journals/lhr/22.2/metzger.html> p. 22.
6. Michel rosenfeld, the rule of law and the legitimacy of constitutional democracy, southern california lae review [Vol. 74:1307,p1345
7. Morris R. Cohen, 1933, the Basis of Contract, Harvard Law Review, Vol. 46, No. 4,
8. Roebuck, D. – De Loynes de Fumichon, B., Roman Arbitration, London, 2004
9. Roebuck, D. – De Loynes de Fumichon, op. cit. (n. 9), p. 177. Detailed catalogue of inscriptions see in: Wilkes, J. J., Boundary stones in Roman Dalmatia (I. part: The Inscriptions), in: Arheološki vestnik, 1976, vol. 25
10. Tabulae Pompeianae Sulpiciorum n. 35-39; *Camodeca, G., op. cit (n. 10), pp. 106-111; Ulp., D.4.8.*
11. Taniguchi y, is there a growing international ARBITRATION culture? An observation from Asia, in J A van den Berg (ed), international disputes resolution: Towards an International Arbitration Culture, the Hague, 1998
12. Ziegler, K.-H., Das private Schiedsgericht im antiken römischen Recht, Münchener Beiträge zur Papyrusforschung und antiken Rechtsgeschichte, No. 58, München, 1971, p. 84 et seq.; Roebuck, D. – De Loynes de Fumichon, op. cit. (n. 9) p. 96 et seq.